هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

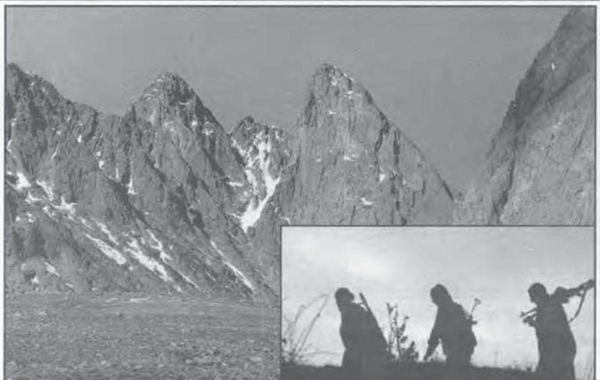
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



تلاش برای ایجاد وحدت ملی، عدالت اجتماعی، به کرسی نشاندن اصول و معیارهای دموکراتیک مبتنی بر ارزش های والای دین مقدس اسلام، طرح و اجرای برنامه هایی که بتواند مشکلات امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که سبب محو مواد مخدر گردد. در سرخط کار جمعیت قرار دارد.

از فرموده های استاد شهید

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۱۹) ۱۴ اسد ۱۳۹۱ ۱۶ رمضان المبارک ۱۴۳۳ - 4 August 2012



جنگ در بام دنیا!

وحید مژده

بدخشان که در ادبیات دری به خاطر لعلش شهرت دارد، منطقهٔ زیبا اما کوهستانی و صعب العبور است که میان افغانستان و تاجیکستان تقسیم شده است.

این تقسیم به شکلی صورت پذیرفته که در دو سوی مرز می توان مناطقی را با نام های مشابه یافت. بدخشان را به خاطر ارتفاع منطقهٔ واخان در این ولایت، بام دنیا نیز خوانده اند. تا اواخر قرن نزدهم میلادی این ناحیه به شکل ملوک الطوایفی و توسط شاهان محلی درواز اداره می شد. رژیم های مختلف در افغانستان توجهی به بهبود وضع مردم این منطقه نداشتند و به همین علت، بدخشان از نظر اقتصادی از ولایات عقب افتادهٔ افغانستان است. معدن سنگ قیمتی لاجورد فقط در بدخشان وجود دارد اما از استخراج آن فقط تعدادی اندک بهره می برند. مرز این منطقه با تاجیکستان، از معبر های مهم انتقال مواد مخدر افغانستان تا به روسیه و حتی اروپای غربیست.

اما در آنسوی مرز، از چندی بدینسو خبر از ناامنی ها در بدخشان تاجیکستان می رسد. این ناامنی ها و برخوردهای مسلحانه زمانی آغاز شد که جنرال عبدالله نظراوف رئیس امنیت ملی تاجیکستان در بدخشان کوهی به قتل رسید و به دنبال آن حکومت مرکزی تاجیکستان نیروی تازه نفس به منطقه گسیل داشت و به جنگ با گروه های مسلح در این منطقه پرداخت. برای اینکه شورشیان از مرز با افغانستان عبور نکنند، نیروهای تاجیک مرز مشترک با افغانستان را بستند.

ص۲

دشواری هایی امنیتی و التزام پاسخگویی مقامات امنیتی

مجلس اعیان یا مشرانو جرگه، مقامات امنیتی و دیپلوماتیک کشور را به منظور استجواب روی موضوع راکت پراگنی پاکستان بالای مناطق مرزی افغانستان فرا خواندند.

بسم الله محمدی وزیر داخله گفت: شواهدی در دست است که نظامیان پاکستانی در حملات راکتی بالای ولایت کنر که از یک سال بدینسو ادامه دارد، دست دارند. آقای بسم الله محمدی گفت: وزارت داخله کشور آمادگی کامل را برای جواب دهی بالمثل دارد، اما منتظر دستور رئیس جمهور و تصویب شورای ملی می باشد.

در مجلس استجواب رحمت الله نبیل رئیس عمومی امنیت ملی نیز گفت: پاکستان عمدتاً با برنامه ریزی کامل مناطق سرحدی را زیر آماج حملات توپ خانهٔ گرفته است و هدف آن کنترل منابع آبی

ص۸

فرمان اخیر، بیم ها و امیدها

روی هم رفته این فرمان با همه اما ها و اگر های که دارد، دنیا و مردم افغانستان دوازده سال به امید، امنیت، ثبات و حاکمیت سالم منتظر بوده اند، چند ماه دیگر نیز منتظر خواهند بود، تا عملی شدن مطالبه ها و مندرجات فرمان را مورد قضاوت قرار دهند.

نذرالله عنایت

اخیراً حامدکرزی رئیس جمهور کشور فرمان ۱۶۴ مادهٔ را به تمام نهادهای دولتی صادر نمود تا روند اصلاحات اداری، مبارزه با فساد اداری، تقویت نهادها را در اولویت برنامه‌های کاری خود قرار دهند. این فرمان ضرب الاجل زمانی را نیز تعیین نموده است که طی آن نهادها از اجراآت خود گزارش ارائه نمایند. نصرالله ستانکزی مشاور حقوقی رئیس جمهور هشدار داد، در صورتی که فرمان رئیس جمهور را نهادهای دولتی مطابق به جدول زمان بندی شده تطبیق نکنند، مطابق با حکم قوانین مورد بازپرس قرار خواهند گرفت.

فرمان رئیس جمهور بر اساس وعده‌یی صادر گردید است که آقای کرزی در بیانیه اش در مجلس شورای ملی با حضور سه قوهٔ دولت درزمینهٔ اصلاحات اداری و مبارزه با فساد اداری داده بود.

انتقاد از فرمان رئیس جمهور

در همین حال شماری از اعضای مجلس نمایندگان فرمان رئیس جمهور کرزی را نه تنها در امر مبارزه با فساد اداری و اصلاحات اداری دولت افغانستان مؤثر نمی دانند، بلکه آن را یک اقدام عجولانه برای حذف منتقدین نظام فعلی از ادارت دولتی می‌دانند.

فوزیه کوفی نمایندهٔ مردم بدخشان، صدور فرمان رئیس جمهور کشور را در زمینه مبارزه با فساد اداری نا وقت خوانده، می‌گوید که فرمان که به تازگی از سوی آقای کرزی در زمینه از بین بردن فساد اداری و حکومت داری خوب صادر گردیده است، قابل قدر است، اما نگرانی های زیاد در مورد سوء استفاده از این فرمان توسط کرزی برای حذف رقیبان سیاسی اش از قدرت نیز وجود دارد. این نمایندهٔ مردم با ابراز نگرانی افزود، در صورتی که این فرمان تحقق یابد قدرت کاملا مطلقه می شود و نقش دیگر نهادهای دولتی در زمینه مبارزه با فساد اداری کمرنگ خواهد شد. از سوی دیگر محمد سرور عثمانی، عضو دیگر مجلس نمایندگان می گوید که اقدام تازه حکومت در زمنیه از بین بردن فساد اداری گامی مهمی خواهد بود، اما او تأکید دارد که باید مبارزه با فساد اداری در قدم اول از ریاست جمهوری شروع شود که در وضعیت فعلی افغانستان صدها نفر به نام وزیر مشاور در اطراف کرزی جمع شده اند و معاش بلند دالری را می گیرند. شماری هم از فرمان رییس جمهور کرزی در مبارزه با فساد اداری و حکومت داری خوب، حمایت کرده و آنرا در وضعیت فعلی افغانستان یک ضرورت جدی می خوانند.

ص۷

مسجد حاجی عبدالرحمن در پارک زرنگار کابل

ص۳



وجود فساد گسترده بی باوری در اجرای فرمان!

ص۲



درست آمد اما دیر!

ص۵

تخریب تأسیسات ناتو، ضربهٔ دیگری بر پیکر اقتصاد ویران کشورما

فیض



گزارش ها می رساند که نیروهای ناتو آنچه پایگاه ها و تأسیساتی که در ظرف یک دههٔ اخیر در افغانستان اعمار کرده اند را در جریان خروج شان از افغانستان تخریب می نمایند. در مورد تعداد این تأسیسات هم اختلاف نظر وجود دارد که جنرال جان آلن قوماندان عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان این تعداد را حدود شش صد پایگاه و تاسیسات خورد و بزرگ می خواند اما وزارت دفاع با جزئیات این رقم را بیش از یک هزار تاسیسات نظامی وانمود می نماید که از جملهٔ این تاسیسات نظامی ۳۵ آن ستراتیژیک، ۲۳۰ اپراتیفی و ۱۰۳۵ آن تاسیسات تخنیکی

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweeklv.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

وجود فساد گسترده بی باوری در اجرای فرمان!

به تاریخ (۵ اسد) از سوی رئیس جمهور حامد کرزی فرمان صد و شصت و چهار ماده ای صادر و برای تعدادی وزارتخانه ها و ریاست های مستقل دستور داده شده تا در مدت یک تا شش ماه وظایف شامل فرمان را به منصهٔ اجرا گذارند. صدور این فرمان در حال شتابزدگی صورت گرفته، زیرا حکومت افغانستان تحت فشار جامعهٔ جهانی و کشورهای کمک دهنده قرار گرفته است. به خصوص در کنفرانس توکیو که جامعهٔ جهانی کمک های مشروط را به افغانستان تعهد نمود.

صدور فرامین، به کار اندازی مسؤولین ادارات، حساب دهی و حساب گیری، مجازات و مکافات متکی به قانون در سطوح مختلف، کشور و باشندگان آن را به سوی ثبات، ترقی، توسعه و پیشرفت سوق می دهد. که فال نیک می گیریم و هر زمان که کار اصلاحی پیگیری و تعقیب گردد، ناوقت نیست. اما اینکه در یک دهه حکومت افغانستان با وجود اینهمه پول های بادآورده و سرازیر شدن نیروهای نظامی و مشورتی حدود چهل کشور جهان نتوانسته است در تأمین امنیت کاری از پیش ببرد، کشور را به سوی ترقی گامزن نماید، زمینهٔ اشتغالزایی را ایجاد نماید، مردم را از فقر و بیکاری نجات دهد، جلو رشد زرع و قاچاق مواد مخدر در کشور را بگیرد، در فساد اداری که شهرهٔ جهان شده توان جلوگیری آن را نداشته است، واقعیت های عینی جامعهٔ ماست که ناگفته پیداست و حکومت باید در زمینه پاسخگو باشد.

بگذریم از کاستی های این فرمان و اینکه مدت اجرایی آن کم است، میکانیزم نظارتی ندارد، نقش نظارتی مجلس نمایندگان درنظر گرفته نشده و... اما آنچه بر می گردد به جنبهٔ اجرایی این فرمان، در حالی که ادارهٔ مبارزه با فساد اداری کشور با وجود فساد بیش از حد، به اجرای این فرمان و فرامین پیش از این آنقدر باورمند نیست و پیش از این برخی وزراء را که از افشای نام ایشان ابا ورزیده است به فساد های کلان و قابل پیگرد قانونی متهم می نماید، پس این وزراء صادق خواهند بود تا در عملی که در آینده دست های خود را خود ببندند، همکاری و تلاش بخرچ دهند؟ طبیعی که جواب منفی است. رئیس جمهور در اول ماه پیش (اول سرطان) با اشتراک سه قوهٔ کشور (اجرائیه، مقننه و قضائیه) مبارزه با فساد اداری و حکومتداری خوب را از اولویت های کاری دولت خواند و بر مبارزه با این پدیدهٔ شوم (فساد) تأکید داشت و گفت که دیگر مصلحت گرا نیست. که شاید یکی از نشانه های آن گفتارش، صدور این فرمان طویل و عریض باشد.

در تمام نشست ها، کنفرانس های کلان داخلی و خارجی و محافل، بحث فساد بر سایر بحث ها چیرگی دارد که یگانه راه فایق آمدن بر این مأمول، اصلاحات ساختاری و بنیادی و تغییرات در پُست های بلند دولتی است. زیرا اکثر آگاهان امور، این همه نابسانی ها را مشکل مدیریتی و ساختاری در نظام می دانند که چالشی است در برابر اجراات.

مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی که در ده سال گذشته شاهد برخی تعهدات غیر عملی حکومت در عرصه های گونه گون بوده اند، این فرمان (فرمان ۴۵) ۵ اسد ۱۳۹۱ شاید برای حکومت آخرین چانس باشد که پیشکش کرده است. در صورتی که جامهٔ عمل نپوشد، همانند سایر فرامین، دساتیر و کمیسیون سازی ها، روی کاغذ باقی بماند، وای به حال مردم افغانستان که صدمهٔ کلان به آن ها وارد می شود. امیدواری بر این است تا همه لایه های دولت دل شان به کشور و مردم شان بسوزد و صادقانه در امور گام بردارند تا کشوری با ثبات و مردمی در رفاه را دارا باشیم.

جنگ در بام دنیا!

ادامه از صفحهٔ اول



در نتیجهٔ این جنگ که به کشته و زخمی شدن حدود هفتاد تن انجامید، تعدادی از نیروهای مخالف دولت هم دستگیر شدند که در میان آنان تعدادی از اتباع افغانستان نیز دیده می شوند. اما علی رحمان طی تماس تلفنی با حامدکرزی، در مورد اوضاع به خصوص در شهر سرحدی خاروق معلومات داد و از جانب افغانی تقاضای کمک نمود تا فراریان در خاک افغانستان دستگیر گردند. وی به رئیس جمهور افغانستان در مورد ارتباط ولسوال منطقهٔ شهدا با شورشیان تاجیک معلومات داد. افغانستان هم نیروهائی در مرز مستقر کرد. و ولسوال مذکور را که گفته می شود در گذشته با حزب اسلامی حکمتیار رابطه داشت، دستگیر نمود. تاجیکستان تمام گذرگاه های مرزی میان دو کشور را بست و فقط کاروان های ناتو از این امر مستثنی اند.

جنگ در بدخشان کوهی موجب شد تا یاد جنگ داخلی اواخر دههٔ نود قرن گذشته در اذهان زنده شود. بعضی ها به این باور اند که اگر هدف دستگیری یا کشتن کسانی بود که در کشتن عبدالله نظراوف دست داشتند، این کار با اقدامات استخباراتی هم ممکن بود و نیازی به اعزام این همه نیروی نظامی که به خونریزی منجر گردید دیده نمی شد.

امام علی رحمان دستور آتش بس داد و در عین حال برای اینکه ضعف نیروهای این کشور در بدخشان را پنهان نماید مدعی شد که تلاش برای دستگیری فرمانده یک گروه مخالف در این منطقه ادامه دارد. این فرمانده طالب ایام بیکوف نامیده می شود که از جنگجویان قدیمی وابسته به گروه اسلامگرای نهضت اسلامی تاجیکستان است. گروهی که جنگ داخلی تاجیکستان را در دههٔ نود میلادی به رهبری سید عبدالله نوری براه انداخت.

امام بیکوف کیست؟

همانگونه که اشاره شد این شخص یکی از اعضای قدیمی نهضت اسلامی تاجیکستان است که در زمان طالبان با نام قاری ایام الدین سفری به افغانستان داشت و از افغانستان به پاکستان رفت. هدف وی از سفر به پاکستان، ملاقات با طالبان تاجیک بود که در مدارس صوبه سرحد درس می خواندند. در مسیر سفر به پاکستان وقتی به کابل آمد، به دستور طاهر یولداش رهبر حرکت اسلامی ازبیکستان دستگیر گردید. طاهر یولداش مدعی بود که قاری ایام الدین در برابر آزادی انجنیران جاپانی در سرحد قرقیزستان یک میلیون دالر پول گرفته اما سهم نیروهای ازبیک را نپرداخته است. طالبان از طاهر یولداش خواستند تا این شخص را آزاد نماید و وی مجبور شد تا از این دستور اطاعت نماید.

در آن زمان نهضت اسلامی تاجیکستان در افغانستان یک نماینده با نام مستعار جیحون داشت و قاری ایام الدین (طالب ایام بیکوف) نیز در کابل مهمان وی بود. قاری ایام الدین بعد از آزادی عازم پاکستان گردید. از همان آغاز کار به نظر می رسید که هرچند بخش بزرگی از نهضت اسلامی تاجیکستان بر بنیاد سازشنامهٔ صلح تاجیکان به پروسهٔ صلح پیوسته اند اما هنوز هم کسانی بودند که این سازشنامه را نپذیرفتند. از آنجائی که حرکت اسلامی ازبیکستان، رهبران اسلام گرای تاجیک را به خیانت به اسلام و آرمان های انقلابیون مسلمان متهم می کرد، با آندسته از تاجیک ها که صلح را نپذیرفته بودند نیز رابطهٔ خوب نداشت زیرا آنها را وفادار به عبدالله نوری می دانست.

قاری ایام الدین بعد از بازگشت از پاکستان به افغانستان، نزد طاهر یولداش رفت و با هم آشتی کردند و نیز در بارهٔ برنامه های آینده صحبت های مفصلی صورت گرفت. در نتیجهٔ این مذاکرات سرانجام دو طرف به این توافق دست یافتند که با هم همکاری نمایند. تعداد زیادی از طالبان تاجیک در مدارس پاکستان درس می خواندند که طاهر یولداش نمی خواست با دامن زدن به گرایش های قومی، آنها را از دست بدهد.

بعد از این جریان، رابطه میان حرکت اسلامی ازبیکستان و شاخهٔ از نهضت اسلامی تاجیکستان که در افغانستان و پاکستان حضور داشتند، بهتر شد. چنانچه در نخستین ویدئوئی که اسامه بن لادن از فعالیت های القاعده به نشر سپرد، در جریان انفجار مجسمه های بودا که تعدادی از جنگجویان خارجی و افغان در کنار هم دیده می شوند، جیحون نمایندهٔ نهضت اسلامی تاجیکستان در کنار طاهر یولداش نشسته است.

بازگشت به سنگر

طالب ایام بیکوف با برنامهٔ جدیدی به تاجیکستان برگشت. تعدادی از عناصر ناراضی را گرد آورد و در منطقهٔ صعب العبور بدخشان کوهی قرارگاه هایی را ایجاد نمود. در سال ۲۰۰۱ طالبان در افغانستان با حملهٔ امریکا فرو پاشید و رابطه با طالبان قطع شد اما این بار ارتباطات شکل دیگری را به خود گرفت.

زمانی که طالبان در سال ۲۰۰۳ مجدداً به صحنهٔ ناامنی های افغانستان بازگشتند، رابطه با وزیرستان مجددا برقرار گردید. طاهر یولداش در منطقهٔ وزیرستان شمالی مدرسهٔ دینی و امکانات آموزش نظامی را به میان آورده بود و تعداد زیادی از طالبان تاجیک در این مدرسه مصروف تحصیل بودند.

در طول چند سال پل هایی بر فراز دریای آمو اعمار شد که رفت و آمد ها را آسانتر ساخت. راه چترال از طریق خاک افغانستان به پاکستان باز بود و تبادلهٔ تریاک در برابر اسلحه، تجارت پررونق در این منطقه بود و طالبان سلاح را به قیمت خوب می خریدند. در این منطقهٔ مرزی، منافع اقتصادی بالاتر از تمایلات سیاسی نقش دارد و کسی که شاید از نظر فکری هرگز خواهان به قدرت رسیدن طالبان نباشد، اما در عمل در کار قاچاق سلاح و مواد مخدر، به صورت غیرمستقیم به طالبان کمک می کند.

گاه گاهی که مسیر مشهور به «توپخانه» در خاک افغانستان تا به چترال مواجه به مشکل می شود، گروه هایی به نام طالب دست به عملیات می زنند و نیروهای پولیس را یا می کشند و یا به گروگان می گیرند. شاهدان عینی می گویند که در این منطقه ده ها گروه مسلح غیر مسؤول وجود دارد که در سوی مرز فعال اند و به کار قاچاق مواد مخدر، اسلحه و لاجورد مشغول اند. در این ولایت تعداد نامعلومی کارخانه های تبدیل تریاک به هروئین نیز فعال است که نشان از قدرت مافیای مواد مخدر در این ولایت دارد.

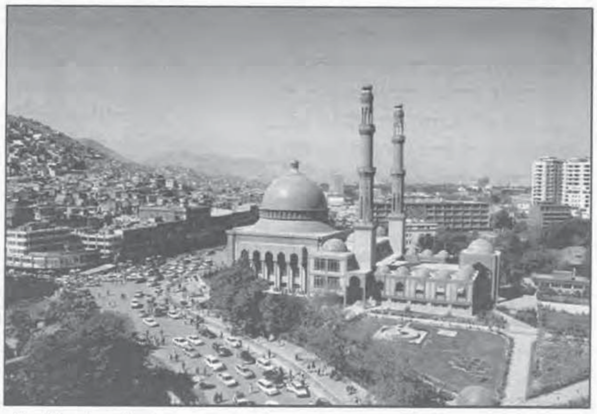
پس آنچه که امروز ما در بدخشان کوهی، محلی خیلی دورتر از مرز پاکستان شاهد آن هستیم، به نحوی ریشه در ناامنی های فراتر از آن منطقه دارد. تجارت مرگ آور مواد مخدر از همین مسیر راه خود را تا به روسیه و اروپا باز می کند و در عین حال بخشی از جریان پول و اسلحه را که طالبان به آن نیاز دارند، تامین می نماید.

تامین امنیت در این منطقه هم برای افغانستان و هم برای تاجیکستان به دلیل دشوار گذار بودن راه ها و کوهستانی بودن منطقه بسیار مشکل است. ناامنی های این منطقه می تواند برای حکومت تاجیکستان مایهٔ نگرانی فراوان باشد. به خصوص زمانی که بخش بزرگی از نیروهای خارجی افغانستان را ترک می گویند، وضع در مرزهای آسیای میانه با افغانستان چگونه خواهد شد؟

همزمان با این ناامنی ها، گزارش هایی هم در دست است که ناتو ارسال تعدادی از سربازانش را به این مرز در دستور کار دارد. آیا این ناامنی ها بخشی از برنامهٔ حرکت خزندهٔ ناتو به سوی مرز های آسیای میانه نیست؟

ع – م

مسجد حاجی عبدالرحمن در پارک زرنگار کابل



در حدیث مبارکی آمده است: (ترجمه) "آنکه مسجدی بنا نهد، خداوند برای او در بهشت خانه ای می سازد." (متفق علیه)

تکمیل پروژهٔ ساختمانی و افتتاح مسجد جامع «حاجی عبدالرحمن»- که کار آن تقریباً ده سال پیش شروع شده بود- موجب خرسندی مسلمانان، خاصه خدا جویان کابل نشین گردید. این مسجد بزرگ در ساحهٔ سه و نیم جریب زمین (۷۰۰۰ مترمربع) در سه طبقه، بامعماری خاص وکاشی کاری زیبا و برجستگی هنری، در جوار پارک زرنگار شهرکابل بنا یافته که برای طبقهٔ اناث نیز محل خاصی برای ادای نماز درنظرگرفته شده است.

طوری که یکی از مسؤولین سابق وزارت حج و اوقاف به نگارنده متذکر گردید: مرحوم حاجی عبدالرحمن از سال ها قبل تصمیم اتخاذ کرده بود تا به اعمار مسجدی بزرگ در ساحهٔ کنونی کابل مبادرت ورزد که آرزوی وی – بنابه دلایلی- نتوانست جامهٔ تحقق بپوشد؛ اما زمانی که پروفیسور شهید استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور پیشین کشور، به مقام ریاست جمهوری کشور رسید، پیشنهاد حاجی عبدالرحمن مرحومی مورد تائید و منظوری قرار گرفت، همزمان استاد شهید به وزارت حج و اوقاف هدایت صادر فرموده بود تا در این راستا اقدامات عملی را روی دست گیرد. هرچند متصدی امور شاروالی آن وقت، حاضر نشده بود نسبت به این تصمیم، موافقت و همنوایی همه جانبه نشان بدهد!

مسجد جامع مذکور، دارای یک کتابخانهٔ بزرگ نیز است که حاوی یکصدوپنجاه هزار جلد کتاب می باشد. نگارنده کشایش این عبادتگاه بزرگ را در مرکز شهرکابل، که در نوع خود بی نظیر خوانده شده، از صمیم دل تبریک عرض می دارد و برای مرحوم حاجی عبدالرحمن و دست اندرکاران این کار بسیار با ارزش و نهایت بزرگ – که صدقهٔ جاریه است- پاداش عظیم از بارگاه خداوند استدعا داریم.

آرزو برده می شود تا سایر تاجران خیّر و دین دوست، به متابعت از اقدام مرحوم حاجی عبدالرحمن و پسران وی، به بنای همچو مساجد و عبادتگاه ها و در سایر مناطق و ولایات، بپردازند و نقش بزرگی را، در راستای ترویج مظاهر دینی، افتخارات، فرهنگ و شئون عالی اسلامی عاشقانه کوشا گردند و اسباب ساختن خانه ای را در بهشت برای خویش فراهم گردانند.

درخور اشارت است که: خانه ها و قصرهای بهشتی را شباهتی با خانه و قصرهای ما در این دنیا نمی باشد. در وصف خانه های بهشتی از ابو هریره رضی الله عنه، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم اینگونه بیان می دارد: " بنای خانه های بهشتی آجری از جواهر و یکی از طلا بوده و ملاط آن مشک خوشبوی و سنگریزه هایش مروارید و یاقوت و خاک آن زعفران است. آنکه پا در آن می نهد، در رفاه و آسایش است و روی سختی را نمی بیند. ماندگار است و نمی میرد. جامه های شان کهنه نمی گردد و جوانی آنان پایان نمی پذیرد!" (امام البانی این حدیث شریف را صحیح دانسته است، رجوع شود به جامع الحدیث: حدیث شماره ۳۱۱۶)

در ضمن، امیدوارم نمای زیبای این عبادتگاه بزرگ رسماً به حیث سمبول مرکز کشور ما پذیرفته شود، تا بدینوسیله هر زمانی که نامی از پایتخت (کابل) برده می شود، به عنوان نماد و سمبول افتخار و فرهنگ عالی اسلامی، صفحات تلویزیون ها را تزیین بخشد. همان گونه که وقتی نامی از مزارشریف برده می شود، آرامگاه حضرت علی کرم الله وجهه خلیفهٔ چهارم اسلام به نمایش درمی اید و همچنان حینی که نامی از هرات برده می شود، مسجد جامع شهر آن ولایت باستانی جلوه گرمی گردد. همین طور- چنانچه نظاره می کنیم – زمانی که نامی از استانبول ذکر می شود، مسجد جامع ایاصوفیه(یکی از معروفترین مساجد اسلام پس از فتح قسطنطنیه در سال ۸۵۷) و یا و حینی که نام "اسلام آباد" برده می شود، مسجد جامع "فیصل" و یا اسمی از لاهور به میان می آید، مسجد جامع شاهی – که از پرشکوه ترین مساجد و جزو چهارمین مسجد بزرگ دنیاست- نمودار می شود و همینطور مساجد بزرگ دیگر در سایرکشورهای اسلامی....!

پیشنهادی که مطرح گردید، آرزویی است که یقیناً تک تک مسلمانان کشورما آن را در دل می پرورند. امید است مقامات ذیربط به آن توجه مبذول دارند.

گران فروشی در ماه مبارک رمضان توجیه شرعی و قانونی ندارد

نوشتهٔ تکساری

روزه ابعاد مختلف و گوناگون دارد، و آثار فراوان از نظر مادی و معنوی در وجود انسان می گذارد که از همه مهمتر بُعد اخلاقی و تربیتی آن می باشد. از فوائد مهم روزه این است که روح انسان را آرامش، ارادهٔ انسان را قوی و غرایز او را تعدیل می بخشد؛ به سخن دیگر، روزه انسان را از عالم حیوانیت ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می دهد. کلام الله"ج" (لعلکم تتقون) "باشد که پرهیز گار شوید" به همین حقایق اشاره دارد.

فلسفهٔ روزه درس مساوات و برابری در برابر افراد اجتماع می باشد. انسان ها با صرفه جویی شبانه روزی در غذای خود، می توانند به کمک انسان های گرسنه و محرومان بشتابند. مساوات از این جهت است که انسان های متمول و غنی طعم گرسنگی و تشنگی را بچشند و نسبت به فقراء ادای حق نمایند. وقتی انسان های ثروتمند و غنی، طعم گرسنگی، درد و رنج را در رمضان متحمل می گردند، در آن صورت باید به ضعیفان و گرسنگان ترحم نمایند؛ زیرا فقراء و گرسنگان تمام ایام سال را با چنین وضع ناگوار به سر می برند.

در ماه مبارک رمضان که به "شهر الله" معروف است، از این نظر تنها ماهی است که نام آن در قرآن کریم ذکر شده است. "شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن" (سوره بقره: آیه ۱۸۲)، نزول قرآن در این ماه و شب لیله القدر و ماه روزه داری از خود سلوک روحی و مکلفیت های خاص را برای مسلمانان می گذارد. یکی از سفارش های مهم اسلام دستگیری از مستمندان و محرومان است و سفارش مهم دیگر " صله و برقراری" روابط صمیمانه با اقوام و نزدیگان است. افطار دادن در ماه مبارک رمضان نشانهٔ دیگری بر رحمت بی پایان خداوند است که موجب نزدیکی دل ها و استواری پیوند ها می گردد. این سنت حسنه همچنین در ابعاد اجتماعی نمایانگر روح همنوایی با مستضعفان و مددکاری از محرومان می باشد، از آن جایی که ماه مبارک رمضان، ماهی مددکاری و دستگیری از بینوایان است، اما بر خلاف طوری که دیده می شود، در این ماه مبارک قیمت مواد اولیه، به طور سرسام آور بلند رفته و مردم به مشکل می توانند، مایحتاج خود را فراچنگ آورد. در ماه مبارک رمضان دیده می شود که قیمت گاز مایع و تیل در بازار افزایش یافته و دلیل آن انحصار تجارت این دو قلم مهم در دست، دو یا سه تاجر است که دارای زور و قدرت می باشد. جای داشت که در این ماه مبارک بر بازار کنترول جدی صورت می گرفت و بر مردمان نیازمند و محتاج کمک های ضروری از سوی دولت، نهادهای خیر رسان و تجار ملی صورت می گرفت. ص۸

درجات روزه
از نظر امام محمد غزالی

امام غزالی رحمه الله روزه را به سه درجه «روزهٔ عوام، روزهٔ خواص و روزهٔ خواصِ خواص» تقسیم کرده است:

«روزهٔ عوام» عبارتست از خودداری کردن از خوردن و آشامیدن و روابط جنسی. «روزهٔ خواصِ خواص» آن است که دل از اندیشهٔ هرچه غیر از خداست، نگه داشته شود و اگر به غیر خدا و آخرت بیاندیشد، روزه اش باطل می‌گردد. این نوع روزه، روزهٔ پیامبران و صدیقان و مقرّبان است.

«روزهٔ خواص» عبارت است از این‌که، روزه دار اعضا و جوارح خود را از کارهای ناشایست نگهدارد. کمال این نوع روزه با رعایت شرایط زیر تحقق می‌یابد:

۱- چشم خود را از نظر کردن به هر آنچه مذموم و مکروه است و وی را از ذکر و یاد خدا مشغول می‌سازد، نگهدارد. چون پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «النظْرَةُ سَهْم مَسمومٌ مِن سِهامِ الشیطان، فَمَنْ تَرَکَها مخافَةً أعقَبَته علیها إیماناً یجِدُ طعمهُ فی قلبِه» (مسند الشهاب) ترجمه: «نظر تیری زهرآگین از تیرهای شیطان ملعون است، پس هر کس از بیم خدا از آن حذر کند، خداوند او را خلعت ایمان دهد که حلاوت آن را در دل خود خواهد یافت.»

۲- زبان خود را از سخنان بیهوده، دروغ، غیبت، سخن چینی، فحش، دشنام و مجادله نگهدارد و آن را یا به ذکر خدا و قرآن خواندن و سخنان مفید مشغول دارد و یا سکوت کند.

۳- گوش خود را از هر سخن ناشایستی نگهدارد؛ چرا که شنونده در معصیت دروغ و غیبت و... شریک گوینده خواهد بود. هرچه گفتن نشاید، شنیدن هم نشاید.

۴- دست و پا و دیگر اعضا و جوارح خود را از کارهای ناشایست نگهدارد و هنگام افطار شکم خود را از خوردنی های حرام و حتی شبهه آمیز هم باز دارد؛ چرا که روزه به معنی خودداری از خوردن روزی حلال است؛ با افطار کردن با روزی حرام معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد. از همین رو پیامبرصلی‌الله و علیه وسلم فرموده است: «ربّ صائِم لیس حظّه من صیامه الجُوع و العَطَش» (مسند احمد) یعنی«بسیارند روزه دارانی که از روزهٔ خود جز گرسنگی و تشنگی بهره ای نمی‌برند.»

۵- هنگام افطار نه تنها از روزی حرام و شبهه آمیز دوری کند، بلکه از روزی حلال نیز زیاد نخورد؛ چرا که هدف از روزه تضعیف شهوات است. آیا اگر انسان آنچه را در روز از خوردن آن خودداری کرده است هنگام افطار جبران کند، هدف روزه تحقق پیدا می‌کند؟ حتی خوردن غذاهای دو وعده در یک وعده به ویژه اگر از غذا های متنوع و گوناگون باشد نه تنها شهوات را تضعیف نمی‌کند بلکه آن ها را تقویت نیز می‌کند. از این رو بهتر آن است که روزه دار هنگام روز زیاد نخوابد تا آثار گرسنگی و تشنگی و ضعف شهوات را احساس کند و در نتیجه قلب او صفا یابد و در شب هم، با کم خوری مقداری از آثار این ضعف شهوات باقی بماند تا بتواند شب زنده داری کند و نماز شب بخواند.

۶- بعد از افطار دل او بین خوف و رجا و بیم و امید معلّق باشد؛ چرا که نمی‌داند روزه اش مقبول درگاه حق خواهد شد یا نه؟

در پایان از خداوند منان مسئلت می‌نماییم که توفیق بهره مندی از ثمرات و برکات روزه را به همهٔ ما عطا بفرماید تا بتوانیم با تزکیهٔ نفس و زمینه سازی برای متقی شدن و با ایجاد تغییر و تحول در درون خود، زمینهٔ تحقق سنت الهی را فراهم نماییم.

آمین یا رب العالمین

چند نمونه از مضامین مشترک در فارسی دری و عربی ۴

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

در میان شاعران عصر سامانی و سرایندگان عرب، مشترکاتی دارد و نمونه های این اشتراک مضامین را می توان در شعر رودکی، آغاجی، دقیقی و دیگر سرایندگان عصر سامانی جستجو کرد.

رودکی می سراید:

هر که را راهزن زغن باشد
گذر او به مزغزن باشد

این مضمون در مرزبان نامه ذکر گردیده و در شمار امثال عرب به حساب آمده است:

اذا کان الغراب دلیل قوم
فیهدیهم طریق الها لکینا

زاغ در ادبیات عرب به شکل رمز و سمبول بکار رفته، که جای بلبل را در دبستان می گیرد. و در این بیت عربی اشاره به این است که رهبری زاغ موجبات هلاکت اقوام را فراهم می سازد و مولانا نیز گفته است:

چونکه زاغان خیمه در گلشن زدند
بلبلان یکسو شدند و تن زدند

که تلخی حاکمیت و ظلمت روزگار را حکایه می کند.

در قرن چهارم هجری تاثیر پذیری از شعر، مضمون و ادبیات عرب برای سرایندگان فارسی دری یک امر معمول بوده است. در میان شاعران عرب در بخارا رایج بوده که معانی فارسی دری را به عربی بر گردانند، یا

معانی شعر دری را اقتباس نماید. از جمله شجری را می توان مثال داد، که با تاثیر از فرهنگ مردم.

خراسان و ماوراءالنهر گفته بود:

ان شئت تعلم فی الاداب منزلی
و اننی قد غذافی العز و النعم
فالطرف و السیف و الاوصاق تشهدنی
و العود و النرد الشطرنج و القلم

اگر می خواهی از جایگاه بلند من در ادب آگاه شوی، بدان که عزت و فضل، مرا غذا می دهد. اسپان اصیل، شمشیر، کمند، عود، نرد، شطرنج و قلم همه به ادب دانی من گواهی می دهند.

به تذکر ثعالبی آن دو بیت، ترجمهٔ دو بیت فارسی است. ثعالبی شاعر فارسی گوی را نام نمی برد اماطه ندا می پندارد که منظور ثعالبی این بیت آغاجی بخاری است:

ای آنکه نداری خبری از هنر من
خواهی که بدانی که نیم نعمت پرورد
اسپ آر و کمند آر و کتاب آر و کمان آر
شعر و قلم و بربط و شطرنج ولی نرد

اما حقیقت اینست که این ابیات برگرفته، از این بیت متنبی است:

و الخیل و اللیل و البیداء تعرفنی
و الحرب و الضرب و القرطاس و القلم

اسپ، شب، بیابان، جنگ، ضرب های شمشیر، کاغذ و قلم همه مرا می شناسد.

برخی از شاعران متاخر عرب نیز وجود دارند که مضامین و صور خیال را از شاعران نخستین فارسی_ که با آنان معاصر بودند و یا کمی قبل از آنان می زیستند گرفته اند. به قول ثعالبی این ابیات ابو حسان احمد بن الموکل که چنین می سراید:

تصور الدنیا بعین الحجی

لا بالتی انت بها تنظر
الدهر بحر فاتخذ زورقا
من عمل الخیر به تعبر

جهان را به دیدگان بصیرت ببین، نه با این چشمانی که با آن نگاه می کنی، جهان دریاست، لذا زورقی از اعمال تیک بر گزین و با آن عبور کن. و رودکی نیز مضمون مشابه مثل این ابیات سروده است:

به چشم دلت دید باید جهان
که چشم سر تو نبیند نهان

در مثال عرب این گونه آمده است: کل اناء یترشح بما فیه " از هر ظرفی، آنچه در آن است، تراوش می کند". و در فارسی دری مثل وجود دارد: از کوزه همان برون تراود که در اوست.

تعداد از شاعران فارسی سرای این مثل را در اشعار خود پرورانده اند:

ناصر خسرو:

خردمندی که نعمت خورد، شکرانش باید کرد
از ایرا که سبوی سرکه جز سرکه نیاغازد

مولانا:

خالی ازخود بودو پر از عشق دوست
پس ز کوزه آن تراود کاندر اوست

عنصری:

فعل آلوده گوهر آلاید
از خم سرکه سرکه پالاید

متنبی در مورد بخت و چانس چنین سروده است:

و ماالجمع بین الماء و النار فی یدی
باصعب من أن أجمع الجد و الفهما

گرد آمدن آب و آتش در دست من، دشوار تر از آن نیست که بخت و نصیب از دنیا، فهم و دانش را با هم گرد آورد. و طغری اصفهانی نیز گفته است:

أتی الله جمع الحظ و الفضل للفتی
إلی أن یری ماءً معاً و لهیب

خداوند تصیب و دانش را برای مردم فراهم نخواهد کرد، مگر وقتی که آب و آتش با هم دیده شود. و سعدی در گلستان خود سروده است:

آن حظ آفرید و روزی بخت
یا فضیلت همی دهد یا بخت

این بیت یاد آوری ابیات شهید بلخی نیز می باشد:

دانش و خواسته است نرگس و گل
که به یک جای نشگفند به هم
هرکرا دانش است خواسته نیست
وان کرا خواسته است دانش کم

بعضی از ضرب الامثال در عربی وجود دارد که مضمون آن در اشعار فارسی دری دیده می شود؛ مثل: کالعیر طالب قرن فضیع اذنین "مانند خر که خواهان شاخ بود، دو گوش را از دست داد" . و در شعر فارسی آمده است:

بیچاره خر، آرزوی دم کرد
نایافته دم، دو گوش گم کرد

و یا:

القلب مصحف البصر "آنچه دیده بیند، در دل نشیند"

از بابا طاهر عریان:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

در مجمع الامثال چنین آمده است: الوحدهٔ خیر من جلیس السوء "تنهایی از هم نشین بد بهتر است".

ناصر خسرو:

تنها بسیار به از یار بد
یار ترا بس دل هشیار خویش

از اسدی طوسی:

مشو یار بد خواه و همکار بد
که تنها کسی به کار با یار بد

و یا: اذا جاء اهل البعیر حام حول البیر "وقتی مرگ شتر فرا رسد، بر لب چاه دور زند.

ناصر خسرو سروده است:

اشتر چو هلاک گشت خواهد
آید به سر چه و لب جر

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل



تیغ گلو

چنان بر خود گوارا ساز نیش ونوش دوران را
که گر تیغ از گلویت بگذرد، آبست پنداری

تصویرعمومی:

انسان موجودی است مد نی واجتماعی ودر قوام زنده گی خویش محتاج یکد یگر.

ادامهٔ حیا ت وزیست بالاجبار مستلزم رابطه ها وتما سها ست. واین روابط ذات البینی چون شیراره ای است که نمیگذارد اوراق زنده گی پراگنده شود وادامهٔ حیات مشکل گردد.

بنی آدم همان طوری که درقیا فه وهیکل متفا وت است، دراستعداد ها، قابلیتها و مهارتها نیز با هم تفا وتهایی دارد. ثمرهٔ این اختلافات وتفا وتها درمعا شرتها ومعا ملات به وضوح نمایان میگردد واکثر رابطه ها وعلایق را که لازمهٔ مد نی بودن وشرط قوام زنده گیست، متأثرمیسازد. این جا ست که واژه های صبر، متا نت وعزم راسخ عرض وجود میکند ونقش سازندهٔ آن در زنده گی مسجل وثابت میگردد.

به عبارت وا ضحتر، هرگاه فردی از وزش بادی متأثر گردد واز نوازش نسیمی خوشحال. ازنگاه روا نشناختی، همچو اشخاص، شخصی است ضعیف النفس وغیرقابل اعتماد، که قدرت هیچ نوع تصمیم گیری درفطرت آن وجود نداشته وازنگاه اراده، متزلزل میبا شد. مسلماً این چنین اشخاص طوری که تذکر داده شده، مثل همهٔ انسا نها درادامهٔ حیات خویش بالاجبار نیازمند معا شرت و معاملات است والبته دراین معا شرت با اشخاص گوناگون ومتفاوتی برخورد خواهد کرد. پس در این گیرو دارمعاشرت ها هرگاه شخص، متا نت، صبر و استقا مت را از دست بدهد بدون شک غیر از اندوه، شکست، خودخواهی، خود فریبی و دهها امراض با طنی، چیز دیگری را نصیب نخواهد شد. این جا ست که اهمیت صبر، متا نت، استقامت، پا یداری وارادهٔ آهنین هویدا می گردد و شخصیت برجسته انسان مقاوم ومتین و پایدار در ذهن نقش می بندد.

حضرت ابوالمعا نی بیدل رح نیز طوری که ازیک سلسله ابیا تش پیدا ست از متا نت واستقا مت بند وارادهٔ آهنیتی برخورداربوده وبا استغنای کامل در کاینات مینگریسته است وتسلیم شدن درقید و بند رسم وعادت منفی را ننگ دانسته وهرگز به یک نیشی مغلوب و به یک نوشی مغرور نمیشده است. مثلاً می گوید:

زنده گی در قید وبند رسم عادت مردن است
دست، دست توست بشکن این طلسم ننگ را

ازاین بیت، همت عالی، متا نت، اراده وقوهٔ ابتکار بیدل رح به خوبی واضح ونمایان میگردد والبته چنین اشتباه نشود که این بیت آن منافی عجز و تواضعی است، که بار بار روی آن تکیه کرده است و ما نیز تک بیتها یی ازعارف وارسته را که مربوط به عجز وتواضع است، درنوشته های خویش آورده ایم. بل که عجز وتواضعی که بیدل رح آن را نقطهٔ کمال انسا نیت میداند، درحقیقت عبارت از اوصا فی است که صرف انسا نهای با اراده، متین، مبتکر وپا یدارمیتوانند، درآن موصوف شود. چنا نچه شعری که تک بیت امروزی ازآن انتخاب گردیده، شامل این بیت نیز میبا شد.

به نیک وبد مدارا سرکن و مسجود عالم شو
توا ضع هم خمی دارد که محرابست پنداری

ص ۸۴۹ غزلیات- چاپ ایران

چنا نچه هرگاه دراین بیت و در بیت منتخبی که نوشته‌ی امروزی درمحور آن است، دقت کنیم، بر علاوهٔ این که هر دو با هم منا فی نیستند، نکتهٔ جالب دیگری را نیز مشتمل اند وآن این که بیت اخیر الذکر تعلیم دستورالعملی است، که مربوط می شود به عمل فرد و عکس العمل دیگران در مقابل آن وبیت منتخب ارتباط میگیرد به عکس العمل فرد در مقابل عمل دیگران. یعنی گویا که بیدل رح به ما تعلیم میدهد، که چگونه عمل باید کنیم تا عکس العمل مثبت دیگران را به خود جلب نماییم وهمچنان می آموزد، که در مقابل علم متفاوت و مختلف دیگران چگونه عکس العمل مثبت را از خویشتن تبارز دهیم.

الفاظ و کلمات:

واژهٔ«گوارا» درمصراع اول منا سبترین و زیبا ترین کلمه ایست که در این جا استعمال شده است وبه بهترین وجه وبا لطیفترین مبالغه معنی مراد را افاده می کند.

کلمه های نیش ونوش برعلاوهٔ این که ازنگاه ساختمان لفظی با هم متجا نس بوده وتا اندازه یی رنگی ازصنعت تجنیس را دارند، ازنگاه مفهوم ومصداق، صنعت تضاد را نیز تشکیل داده اند .

در مصراع دوم استعمال کلمهٔ تیغ و آب، که نماینده گی ازنیش ونوش میکند، ضمن مبالغهٔ با شکوهی، مفهوم مصراع اول را تا یید مینما ید وهمچنان از نگاه ترتیب کلمات، تیغ وآب وازحیث ارتباط آن با مصراع اول میتوان در موجودیت لف ونشرمرتب دراین بیت اذعان کرد. یعنی این که تیغ مرتبط است به نیش، وآب مرتبط است با نوش، که این ترتیب خود بر زیبایی مصراع مذکور افزوده است.

خلاصهٔ مفهوم:

چنان متین، با اراده، صبور وبااستقامت باش که هرنوع نیش ونوش ونشیب وفراز دنیا را با جبین کشاده استقبال کن، تا حدی که اگر تیغ از گلویت بگذرد، پنداری که آن آب گوارا ست.



درست آمد اما دیر!

ابوبکر سبزوار

سرانجام پس از سال ها انتظار، رئیس جمهور کرزی با صدور فرمانی، مبارزه علیه فساد اداری را آغاز نمود. در این فرمان به هرسه قوهٔ دولت وظیفه سپرده شده تا در مبارزه علیه فساد سهم بگیرند و در مدت زمان معین، گزارش کار خود را به ریاست جمهوری ارائه نمایند.

این فرمان پس از مدت ها انتظار و بعد از خواست های مکرر جامعهٔ جهانی از حامدکرزی صورت گرفت و زمانی این خواست جدی شد که در کنفرانس اخیر توکیو برای افغانستان، جامعهٔ جهانی کمک به افغانستان را به مبارزهٔ جدی علیه فساد اداری در این کشور مشروط ساخت. حامدکرزی قبل از کنفرانس توکیو، مجلسی از هرسه قوه را فراخواند و از آنان در جهت مبارزه با فساد خواهان کمک گردید.

اما حامدکرزی در سخنان خویش در این نشست، وقتی به مرحله ای رسید که باید اقدامات جدی علیه فساد را اعلام می داشت، یکبار دیگر به نقش خارجی ها در ترویج فساد اداری در کشور پرداخت. وی گفت که خارجی ها نباید قراردادها را به اراکین دولت یا اقارب آنان بدهند. کاری که در طول ده سال گذشته صورت گرفته است. یعنی تکرار همان موقف گذشته که خارجی ها هم در این رابطه تقصیر دارند.

جالب است که این سخنان در مجلسی گفته می شد که اراکین بلند رتبهٔ دولت همه در آن حضور داشتند. همان هایی که اشاره های کرزی متوجه آنان بود. همان هایی که هم در گروه گرائی دست دارند و هم در قوم گرائی، همان هایی که خود یا خویشاوندان شان از خارجی ها قراردادهای کلان به دست آورده اند و از این راه به ثروت های کلان دست یافته اند. آیا رئیس جمهور با همین اشخاص می خواهد با فساد مبارزه نماید؟

در فرمان رئیس جمهور اولویت ها به مسایلی داده شده که می تواند در بهبود رابطه میان دولت و مردم موثر باشد که در آن بررسی دوسیه های هزاران زندانی بی سرنوشت در زندان های کشور شامل است. در فرمان به این مسئله اشاره نشده بود که اگر نهادهای دولت دستورهای این فرمان را در وقت معین عملی نکنند، چه مجازاتی برای آنان در نظر گرفته شده است اما بعداً نصرالله استانکزی مشاور حقوقی رئیس جمهور به خبرنگاران گفت که اگر مسؤول یک اداره این فرمان را در زمان معین عملی نسازد، مورد تعقیب عدلی قرار خواهد گرفت.

کشورهای خارجی هنوز هم از اقدامات حکومت افغانستان درمورد کابل بانک ناراضی اند و تاکید دارند که باید سرنوشت آنانی که در ورشکستگی این بانک دست داشته اند مشخص گردد. حامدکرزی در نشست سه قوه گفت که آن شرکت خارجی که مسؤول مراقبت از این بانک بود، باید در این مورد جوابگو باشد و نیز از کشورهای خارجی خواست تا عبدالقدیر فطرت رئیس سابق بانک مرکزی و سایر کسانی را که به فساد و اختلاس متهم اند و به امریکا و اروپا فرار کرده اند، به افغانستان بازگردانند. اما در فرمان رئیس جمهور رسیدگی سریعتر به مسئلهٔ کابل بانک از موارد مورد تاکید است.

مبارزه با فساد در افغانستان یک امر تاخیر ناپذیر بود. تاخیر در این امر مهم موجب شد تا افغانستان در سطح جهانی به عنوان یک کشور ناکام معرفی گردد. آیا این عنوان برای کشوری که در طول یک دههٔ گذشته در محراق کمک های جامعهٔ جهانی بود، شرم آور نیست؟

در یک سروی که توسط صندوق صلح و مجلهٔ سیاست خارجی به نشر رسید، امسال نیز افغانستان در قطار ده کشوری است که ناکام ترین کشورهای جهان شناخته می شوند. سال گذشته افغانستان وضع بهتری داشت یعنی هفتمین کشور ناکام در جهان بود اما امسال به رتبهٔ ششم ارتقا کرده است.

معیارهای این بررسی شامل مشروعیت دولت در میان مردم کشور، موثریت حکومت داری، توانمندی حکومت در امر تامین امنیت شهروندان و دسترسی مردم به خدمات عمومی بوده است. در این بررسی افغانستان یکی از کشورهای خطرناک جهان خوانده شده که در آن گروه های مافیایی مواد مخدر و طالبان دولت این کشور را به چالشی سخت مواجه ساخته اند.

نگاهی به این لیست که شامل ۱۷۸ کشور جهان است نشان می دهد که ثروت و فقر در کامیابی و ناکامی حکومت ها نقش مهمی ندارد. به عنوان مثال ایران که از جمله کشورهای ثروتمند جهان به شمار می آید در این رده بندی در قطار سی و چهارم است در حالی که کشورهای روواندا، انگولا، تاجیکستان و ازبیکستان طبق این رده بندی در موقعیت بهتر از ایران قرار دارند.

جنگ زده بودن یک کشور هم یگانه عامل در این ناکامی نیست. به عنوان مثال در منطقهٔ ما کشور تاجیکستان نیز درگیر یک جنگ داخلی خونین بود ولی امروز نه تنها وضع بهتر از افغانستان دارد بلکه در مقایسه با خیلی از کشورهایی که درگیر جنگ هم نبوده اند، از موقعیت بهتری برخوردار است.

این سروی نشان می دهد که دیموکراسی هم نمی تواند عاملی در کامیابی یک حکومت باشد. اینکه حامد کرزی می گوید در آزادی بیان افغانستان در بین بسیاری از کشورهای جهان بی همتاست، معیاری در حکومت داری خوب تلقی نمی شود. ازبیکستان مخالفین سیاسی خود را می کشد و زندانی می کند؛ از آزادی بیان در این کشور خبری نیست اما نظر به این گزارش، ازبیکستان در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه، دارای یک دولت موفق است.

آیا می توان با کمک خارجی یک دولت را از ناکامی بیرون آورد و به یک دولت موفق مبدل کرد؟ تجربهٔ بیش از ده سال گذشته در افغانستان برای همه کشورهای جهان یک تجربهٔ روشن است؛ آنچه که می تواند کشوری را از بدبختی و بحران نجات دهد، ارادهٔ آن ملت برای بیرون آمدن از بحران است. در این رابطه کمک های صدها میلیارد دالری خارجی نیز گره گشای مشکل نخواهد بود.

پس معیارهای کامیابی یا ناکامی یک دولت نه در مسایل اقتصادی و جنگ و آنچه که رعایت معیارهای دیموکراتیک خوانده می شود، بلکه در ارادهٔ یک دولت برای حکومت داری خوب و مبارزه با فساد نهفته است. جلب حمایت کشورهای قدرتمند و امضای قراردادهای استراتژیک با چنین کشورها فقط مصرف تبلیغاتی دارد. تا زمانی که یک دولت خودش موفق نباشد، هیچ قراردادی با خارجی ها متضمن چنین موفقیت نخواهد بود و یک دولت ناموفق را موفق نخواهد ساخت.

سوال اینست که با صدور این فرمان، آیا می توان امید به مبارزهٔ جدی با فساد داشت؛ چگونه می توان فساد را در کشور به کمک کسانی ریشه کن ساخت که خود در فساد دست دارند؟ چگونه می توان فساد را بدون محاکمه و مجازات کسانی تحقق بخشید که در طول یک دههٔ گذشته در مقام های مختلف، غرق در فساد بودند و این دولت را هم بدنام کردند؟ کسانی که باید علیه آنان مبارزه صورت گیرد اکنون وظیفه یافته اند تا خود علیه فساد مبارزه نمایند!

فرمان رئیس جمهور قدمی است که دیر برداشته شد و به همین دلیل بسیاری به این باور اند که زمان باقی مانده تا سال ۲۰۱۴ برای دسترسی به هدفی چنین بزرگ، فرصتی اندک است اما با وجود این تنگنا، اگر واقعاً ارادهٔ جدی برای عملی کردن مفاد این فرمان وجود داشته باشد، می تواند لااقل موقعیت افغانستان را در لیست کشورهای ناکام جهان در وضعیت بهتری قرار دهد.

د پاکستان لخوا، ناتو ځواکونو ته د اکمالاتي...

دوارو هیوادونو د اړیکو په رغولو کې به مؤثر نقش ولوبوي او دا دواړه متضادې خبرې دي. په قبائیلي سیمو کې د بې پیلوټه الوتکو بمباري او هم په افغانستان کې د میشتو ناټو ځواکونو لپاره د اکمالاتي لاریو مسئله هغه دوه مهمې مسئلې دي چې د سیمې دواړو هیوادونو ته مثبت او منفي دواړه اړخونه لري؛ ځکه د افغانستان د موجوده نظام مخالفین که د قبائیلي سیمو څخه رااوړي نو ځارنه او پلټنه یې چې د بې پیلوټه الوتکو په وسیله ښه ترسره کیږي، د مخالفینو په ځپلو کې ښه کارنده ده. او همدارنګه امریکایي پوځیانو ته د پاکستان له لیارې د مرستندویه لاریو په راتګ د امریکا لګښت د نورو لارو په پرتله کمیږي خو له دې سره سره منفي اړخونه هم لري او هغه دا چې ددغو درنو لاریو د دوارو هیوادونو له لیارو امریکایي پوځیانو ته په رارسیدلو سره د دوارو هیوادونو ولسونه له ستونزو سره مخ کیږي او هم د بې پیلوټه الوتکو بمباري ډیر خلې دقیقې نه اوسي او عام او ولسي خلك هم پکې په نښه کیږي. که د پاکستان ولس ته دغه دواړه کارونه درانه تمامیږي نو افغانان هم ورڅخه ډیره ښه خاطره نلري؛ ځکه د تورخم څخه تر کابله د افغانستان عمومي لیار (چې یو مخیزه سړك دی) پدې لیار د موټرو چلن دومره زیات دی چې که چیرې ورسره دا لاري نه اوسي هم بیا لیار د مسافرینو په وړاندې ډیر خلې بندیږي او چې کله دغه لیاري هم ورسره مل شي نو بیا خو پدې لیار سفر، سم جهنم وي او په ځانګړې توګه د اوړي په موسم کې چې ډیر خلې پکې ناروغان خپل منزل ته د رسیدو د مخه په لیاره کې ساه ورکوي.

د افغانستان موجوده دولت چې د څو کلونو راهیسې یې خپل ولس ته د (لته بند) د لیارې جوړولو او پخولو وعده ورکړې وه، تر اوسه یې دا کار ونشو کړای او کوم سړك چې د ولس دراجت لپاره پوخ شوی وو هغه یې هم د ناټو په درنو لیارو خراب کړ چې ورځ تر بلې یې په خپل ولس کې اعتبار هم خرابیږي. خو پوښتنه داده چې دا غم کرلی چا دی؟ چې هم ترې افغانان خوریږي او هم ترې پاکستاني ولس؟ که د پاکستان دولت خپل شوم اغراض پریږدي او د خپل ولس او ګاونډیانو سره د عادي ګټو د لاسته راوړلو لپاره روانه لوبه ختمه کړي او په صداقت سره د یو پیاوړي افغانستان (چې په سیمه کې د ټولو په ګټه دی) موجودیت ومنې، مسئله حل ده. خو بدبختي داده چې پاکستان تل خپل دردویني او د بل نهویني، یوې خواته د سولې د هڅو څخه د ملاتړ ادعاء کوي او د امریکا سره د ترهګرۍ په ټکولو کې ځان ملګری ګڼي او له بلې خوا همدا اوس هم د افغانستان په کنړ ولایت کې یې د توغندیو باران جوړ کړی دی. همدارنګه د پاکستان د دفاع کونسل ته پکار دي چې د ګاونډي افغانستان د کنړ په ولسوالیو باندې د توغندیو د ورولو څیړنه هم د اسلام له مخې وکړي او خپل دولت او استخباراتو ته اسلامي مسوولیت ور په ګوته کړي.



۱- اسلام گرایی سنتی

جریان اسلام گرایی سنتی یک جریان دینی- سیاسی است که بروی معنویات و تطبیق شریعت تاکید میکند. این جریان در میان علمای دینی جامعه سنی مذهب مسلمان که بیشتر از مدارس سنتی و غیر رسمی برخاسته اند نفوذ و پایگاه دارد. جریان اسلام گرایی سنتی در جوامع سنی کشورهای اسلامی بر خلاف جریانهای دیگر اسلامی وفاداری و پابندی بیشتری به مذهب خود از میان مذاهب چهارگانه سنی نشان میدهند. این جریان همچنان از ویژگیهای جریان بنیاد گرایی اسلامی و حتا جریان افراط گرایی برخوردار است که با بخش رادیکال و افراطی بنیادگرایی و جریان افراط گرایی مشترکاتی چون جزم اندیشی، قشری گری و ظاهرگرایی دینی دارند. اما بر خلاف جریان بنیادگرایی اسلامی به انتر ناسیونالیزم اسلامی و تفکر امت واحد اسلامی مبتنی بر نفی مرزهای جغرافیایی و سیاسی چندان باور و وفاداری نشان نمیدهند. آنها به هویت های بومی و قومی خود تکیه میکنند و حتا در این مورد با تنگ نظری و تعصب ظاهر می شوند. تفاوت دیگر این جریان با بنیادگرایی اسلامی بر سر اجتهاد بر می گردد. جریان سنتگرایی اسلامی دروازه ی اجتهاد را در شریعت اسلامی بسته می بینند و با برداشت های مختلفی که بیرون از مذاهب اهل سنت میشود مخالفت می ورزند. به باور آنها اجتهاد در عصر فتنه درست نیست و مسلمانان مکلف به تقلید از امامان مذاهب چهارگانه خود هستند. این جریان به موضوع انتخابات بر سر رهبری دولت و کشور اسلامی با جریان های دیگر اسلام گرایی اختلاف دارند. آنها انتخابات به شیوه امروز در تعین رهبری دولت و محدودیت زمانی را در زعامت نامشروع می پندارند. هر چند گروه های مختلف جریان سنت گرایی در این مورد با توجه به شرایط جوامع و کشورهای خود شان افکار و رفتار متفاوت داشته اند.

جریان سنت گرایی اسلامی در مورد حقوق اجتماعی و سیاسی طبقه زنان دیدگاه خاص خود را دارند و حتا بعضی از گروه های این جریان حق تعلیم و تحصیل و کار زنان را در اجتماع نامشروع تلقی میکنند. افزون بر آن این جریان با مظاهر تمدن غربی و مدرنیته حتا در لباس و سبک زندگی غربی کم ازکم در ظاهر مخالفت نشان میدهند و بیشتر با لباس های بومی و سنتی خود ظاهر میشوند؛ هر چند که در استفاده از مدرنیزم غربی تعصب و تردیدی ندارند.

بسیاری از گروه های اسلامی متشکل ازعلمای دینی و سنتی در کشورهای اسلامی به جریان اسلام گرای سنتی تعلق می گیرند. جماعت علمای اسلامی پاکستان برهبری مولانا فضل الرحمن، حرکت انقلاب اسلامی افغانستان که توسط مولوی محمدنبی محمدی در آغاز دهه هشتاد عیسوی شکل گرفت و حتا تحریک اسلامی طالبان افغانستان و پاکستان از لحاظ فکری و مذهبی- سیاسی، گروه های اسلامی مربوط به این جریان هستند.

۲- اصول گرایی اسلامی یا بنیاد گرایی اسلامی

جریان بنیاد گرایی اسلامی یکی از جریان های مهم و با نفوذ نهضت اسلامی یا پدیده اسلام گرایی در سده بیستم است. بنیادگرایی اسلامی در واقع جریان معتقد به اسلام نخستین یا اسلام سلف صالحین است که قرآن و حدیث پیغمبراسلام(ص) را منبع اصلی معرفت اسلام تلقی میکنند. جریان بنیادگرایی اسلامی را میتوان مشمول این تعریف اسلام از سوی یوسف قرضاوی قرار داد که هرچند موصوف با این نامگذاری و دسته بندی مخالفت می ورزد:« ما به جز یک اسلام، که همان اسلام واقعی و نخستین است، اسلام دیگری سراغ نداریم. آن اسلام سرآغاز رسالت و برگرفته از قرآن و سنت است. اسلامی که بهترین و آگاه ترین نسل امت اسلامی، یعنی اصحاب و تابعان راستین، در مناسب ترین زمان ، آنرا دریافته بودند. . . »

در حالی که میتوان گفت ویژگی های بنیادگرایی بصورت مشترک در میان تمام جریانهای اسلامی وجود دارد اما احزاب و گروه های متعلق به این جریان دارای مشخصات مربوط به خود هستند. گروه های مربوط به جریان بنیادگرایی اسلامی برخلاف اسلام گرایان سنتی شامل طیف های مختلف اجتماعی میشوند. بسیاری از اعضای این جریان برخاسته از مراکز عصری یا مدرن آموزشی و تحصیلی(مکاتب یا مدارس و دانشگاه ها) هستند. اعضای این جریان به مذاهب فقهی چهارگانه پابندی کمتری دارند و با داشتن تفکر سلفی گری خود را پیرو راستین قرآن و حدیث میدانند. همچنان این جریان به اجتهاد در مسایل مختلف حیات از دیدگاه شرع اسلامی معتقد هستند و از جواز تعدیل و تغیر درمسایل شرعی با شرایط جدید و البته بدون تعارض با اصول و احکام صریح نصوص اسلامی سخن میگویند.

یکی از ویژگیهای جریان بنیادگرایی اسلامی به پذیرش بعضی از پدیده های مروج امروز در حیات سیاسی و اجتماعی توسط آنها بر میگردد. جریان بنیاد گرایی اسلامی به حضور و مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی با رعایت حجاب همسویی نشان میدهند و بسیاری از گروه های مربوط به این جریان انتخابات عمومی را نامشروع تلقی نمیکنند. یکی دیگر از ویژگیهای این جریان به عدم یکپارچگی و وحدت نظر آن در مسایل مختلف سیاسی و اجتماعی از منظر معرفت و قرائت دینی است. در حالی که طیف های متفاوت فکری از این نگاه در میان افراد و حلقه های مختلف جریان مذکور به نظر میرسد، اما جریان بنیادگرایی اسلامی بصورت کل در دو بخش میانه رو و افراطی دسته بندی میشود. بخش میانه رو جریان بیشتر به جریان نوگرایی اسلامی نزدیک هستند و بخش افراطی آن بسوی جریان افراط گرای تکفیری و ستیزه جو می لغزند. بخش افراطی جریان بنیادگرایی اسلامی بیشتر یک جریان آیدئولوژیک است و نوع قرائت و برداشت خود را از اسلام صحیح و موجب رستگاری میداند.

بسیاری از احزاب اسلامی متأثر و ملهم از اخوان المسلمین مصر در کشورهای اسلامی در جریان بنیادگرایی اسلام دسته بندی میشوند. جماعت اسلامی پاکستان، بعضی از احزاب اسلامی کشورهای عربی منشعب شده از اخوان المسلمین، گروه های سلفی چون حزب النور مصر، جمعیت اسلامی افغانستان، حزب اسلامی افغانستان، حزب اسلامی مالیزیا، جبهه نجات اسلامی الجزایر و . . . از گروه های متعلق به بنیادگرایی اسلامی شامل هر دو بخش این جریان هستند.

۳- افراط گرایی اسلامی

جریان افراط گرایی اسلامی یا آنچی که در غرب ایکسترمیست نامیده میشود به جریانهای بسیار افراطی اسلام گرایی تعلق می گیرند که در واقع از درون نهضت اسلامی و جریان اسلام گرایی سر بر آوردند. این جریان در صدد تحقق حکومت اسلامی و شکست دشمنان اسلام بر مبنای قرائت و دیدگاه خود از راه خشونت و جنگ هستند و هرگونه سازش و مدارا را در این مورد نفی میکنند. آنها دموکراسی را پدیده غیر اسلامی دشمنان غربی تلقی میکنند و انتخابات را در جهت تعین رهبری و دولت اسلامی نامشروع می پندارند.

بسیاری از گروه های جریان افراط گرای اسلامی گروه های منشعب از اخوان المسلمین مصر و سایر احزاب اسلامی کشورهای مسلمان هستند که در دهه ی هشتاد و نود بوجود آمدند. جماعت الفنیهٔ العسکریهٔ(سازمان فنی- نظامی)، جماعت التکفیر و الهجرهٔ(سازمان تکفیر وهجرت)وجماعت الجهاد، "منظمهٔ التحریرالاسلامی یا سازمان آزادیبخش اسلامی"، در مصر گروه های افراطی اسلامی هستند که از اخوان المسلمین جدا شدند. گروه تکفیری که توسط شکری مصطفی در ۱۹۷۱ تشکیل شد به حدی دیدگاه افراط گرایانه از اسلام داشتند که حتا جامعه مسلمان مصر را اسلامی نمیدانستند و از میان این جامعه نامسلمان دست به مهاجرت زده به کوه ها رفتند و جامعه جدیدی به زعم خود اسلامی را تشکیل دادند.

حزب تحریر به عنوان یک گروه انشعابی دیدگاه موعظه گرایی اخوان المسلمین را در جهت اصلاح و اسلامی ساختن جامعه تردید کرد و توسل به خشونت و جنگ را برای کسب قدرت سیاسی در پیش گرفت؛ هر چند برخلاف گروه تکفیری جامعه را تکفیر نمیکرد و تنها دولت در مذاق اتهام و حمله آنها بود.

گروه الجهاد(جماعت الجهاد) که در سال ۱۹۷۴ توسط صالح سریه بوجود آمد به جهاد و جنگ مسلحانه در رسیدن به حکومت اسلامی درهر زمان وشرایطی و با توسل به هرگونه خشونت معتقد بودند. صالح سریه با نگاشتن رساله الفریضهٔ الغایب(فرض غایب)قوانین فعلی در جهان را قوانین کافران خواند و ترک جهاد مسلحانه را عامل انحطاط و زوال اقتدار مسلمانان در جهان ارزیابی کرد. ایمن الظواهری پزشک مصری که پس از قتل اسامه بن لادن رهبری سازمان القاعده را بدست گرفت از اعضای جهاد اسلامی مصر بود.

جریان افراط گرایی اسلامی در سه دهه اخیر قرن بیستم در بسیاری از کشورهای اسلامی به خصوص در پاکستان گسترش یافت. مهم ترین سازمانهای افراط گرایی که در این مقطع به وجود آمدند و تا هنوز به حضور و فعالیت خود ادامه میدهند عبارتند از: سازمان القاعده که توسط اسامه بن لادن تشکیل شد، جماعت اسلامی مسلح در الجزایر، حزب تحریر اسلامی در اردن و آسیای میانه، سپاه صحابه که در سال ۱۹۸۵ به رهبری مولانا حق نواز جهنگوی در پاکستان تشکیل شد. لشکر جهنگوی، لشکر طیبه برهبر حافظ (قاری) محمد سعید در کشمیر، حرکت مجاهدین کشمیر، جیش محمد که در سال ۲۰۰۰ توسط مولانا مسعود اظهر در کراچی پاکستان تشکیل شد. تحریک طالبان پاکستان که توسط بیت الله محسود درمناطق قبایلی پاکستان بوجود آمد ومحسود در سال ۲۰۰۹ توسط هواپیمای بدون خلبان امریکا به قتل رسید. تحریک نفاذ شریعت محمدی یا جنبش اجرای شریعت که توسط مولوی صوفی محمد در سال ۱۹۹۲ در قبایل شمال غربی پاکستان تأسیس شد ورهبری این گروه را دامادش مولانا فضل الله بدست گرفت. حرکت انصاردر هند و حرکت مجاهدین در کشمیر، تحریک اسلامی طالبان افغانستان، سازمان الشباب در سومالیا، سازمان بوکه حرام(جمعیت متعهد به اشاعه تعالیم پیغمبر اسلام و جهاد) در نایجریا، سازمان ابوسیاف در فلیپین، سازمان جماعت اسلامی در اندونیزیا و . . . .

تخریب تأسیسات ناتو...

و محاربوی می باشد. بنا به گفتهٔ معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی کشور، همهٔ این ها به حکومت افغانستان تسلیم داده می شود. پیش از این حکومت و برخی از اعضای شورای ملی خواهان آن بودند تا تاسیسات نظامی که پس از خروج نیروهای بین المللی در سال ۲۰۱۴، در افغانستان باقی می ماند، به نیروهای افغان سپرده شود. و حامد کرزی کمیسیونی هم در این راستا تعیین نموده است. گفته می شود در حال حاضر ایتلاف بین المللی تحت رهبری ناتو در مورد سپردن برخی از این تاسیسات مشغول گفتگو با حکومت افغانستان است اما نیروهای بین المللی چنین تصمیم دارند تا با خروج در سال ۲۰۱۴ بخش اعظمی از این تاسیسات را از بین ببرند.

روزنامهٔ واشنگتن پست ماه گذشته گزارش داده بود که یک شرکت امریکایی، قرارداد ۵۷ میلیون دالری تخریب تاسیسات نظامی ناتو در افغانستان را به دست آورده است. این شرکت در عراق هم قرارداد تخریب پایگاه ها و تاسیسات نظامی امریکا را کسب کرده بود. مقامات نظامی ایتلاف بین المللی تحت رهبری ناتو علت تخریب این پایگاه ها و تأسیسات را نبود ظرفیت در نیروهای افغانستان می داند و نگرانی شان از این است که شاید دولت افغانستان این تأسیسات را حفاظت نتواند و به دست نیروهای مخالف مسلح دولت و طالبان بیافتد.

به گزارش رادیو آزادی، مقامات نظامی نیروهای بین المللی گفته اند که، نیرو های افغان در مناطق دور دست به این تاسیسات و پایگاه های نظامی نیازی ندارند. بر اساس گزارش ها، برخی از این پایگاه ها که ناتو از آن خارج شده، حالا به دست طالبان افتاده است. اما طالبان هم تخریب تاسیسات نظامی از سوی نیرو های امریکایی و ناتو را محکوم کرده اند.

حامد کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان بعد از ظهر ۱۱ اسد در ارگ ریاست جمهوری با جنرال جان الن قوماندان عمومی نیروهای ناتو در افغانستان دیدار کرده و صحبت هایی در مورد تأسیسات ناتو بعد از خروج شان از افغانستان داشته اند که جنرال جان الن خاطر نشان کرده است، آن تعداد از تاسیسات نظامی که مورد نیاز افغانستان است بعد از خروج نیروهای ناتو به افغانستان تحویل داده خواهد شد تا از آنها در عرصه های مورد نیاز استفاده به عمل آید.

به هر صورت، تعمیر و تخریب این تأسیسات و پایگاه ها هزینه بردار بوده که با کمک های جامعهٔ جهانی برای مردم افغانستان صورت گرفته است. بر دولت افغانستان است تا جدی پیگیری نماید که تخریب این تأسیسات ضربهٔ دیگری است بر پیکر اقتصاد ویران کشورما.

زندگانی ناگوار!

نوشته: دکتورعائض القرنی، دانشمند ودعوتگر اسلامی
برگردان: عبدالحفیظ همام

پرودگار می فرماید: (هر کس از یاد من روی گرداند، هرآینه زندگی اش تنگ می شود). معیشت ناگوار و زندگی ناهنجار، همانا دلگرفتگی و سینه- تنگی، هم و غم همیشگی، اندوه درونی، عدم آسایش و ناراحتی، نگرانی و اضطراب، خشم به مقدرات الهی و بالآخره به سر پرورانیدن آرزوی مرگ و روی آوردن به انتحار و خودکشی است!.

به قول متنبی:

كفى بك داء أن ترى الموت شافيا
وحسب المنايا أن يكن أمانيا
تمنيتها لما تمنيت أن ترى
صديقا فأعيا أوعدوا مداجيا

معنا: ترا بسنده است بیماری که علاج اش را در مرگ بیابی؛ همین که (دراثر ناملایمتی روزگار) مرگ آرزوی (انسان) باشد، مصیبتی بزرگتر از آن نخواهد بود. آنگاه از دستیابی دوست راستینی و دشمن بامروتی عاجز آمدی، آرزوی مرگ نمودی!.

معیشت ناگوار آن نیست که کلبه ات محقر و گلی باشد، یا فقیر و تنگدست باشی و یا در سوگ عزیزی از خانواده ات بنشینی، و یا هم مصیبت و محنتی دامنگیرت گردد؛ در حالی که در مواجهه با این ناملایمت ها، از نیروی ایمان به پروردگار، و از شکیبایی درغم و اندوه و از قناعت نفس برخوردار هستی، و به وسیلهٔ نماز با خشوع و تلاوت با تدبر آیات قرآنی، رابطه و پیوندت را با پروردگار مستحکم و پایدارنموده ای. این همان حیات طیبه و یا زندگی پاکیزه و معیشت گوارا است، که برایت عنایت و ارزانی شده است. به فرمودهٔ آفریدگار: ترجمه: (هرکس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد خواه زن، درحالی که مؤمن است او را به حیات پاکیزه زنده می داریم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد).

درین محنتکده، رستگاری و سعادتمندی نصیب کسی است، که در بستر قضا و قدر پروردگار آرمیده و لحظات زندگی اش سراسردر طاعت او است، و با اسوه قراردادن پیامبر گرامی، توأم با رضایت و طیب خاطر تن به تقدیر پروردگار می سپارد. هرگاه نعمتی نصیبش گشت سپاسگذار بارگاه او باشد، و چون مصیبتی دچارش گشت، صبر و شکیبایی گزیده و به آستان تقدیر پروردگار بیارامد. اگر گهی خویشتن را به گناهی بیالود، مأمن و پناگاهش درگاه رحمت پروردگارعالمین باشد، و به پیشگاه جلال و عظمت خداوندگار عذر و التجاء نموده و با دعاء و سجدهٔ نیایش از درگاهش، خواستگار عفو و آمرزش شود. چنین شخصی مصداق همان وصفی است که پیامبر گرامی پیرامونش می فرماید: ترجمه (زندگی مسلمان شگفت آور است؛ چون در همه شؤون زندگی اش، نیکویی نهفته است؛ آنگاه خوشی ای به وی دست دهد سپاسگذار باشد، که این برایش خیراست. و اگر مصیبتی به وی دست دهد، صبر گزیند، که این هم برایش خیرباشد؛ و این ویژگی تنها خاصهٔ مسلمان باشد).

آیا باری به سیمای کسی که شیرازهٔ حیات اش از هم گسیخته، و رَوند زندگی طبیعی اش، دچار آشفتگی و سرخوردگی گشته است، خواهی نگریست؟ آری، آنکی در لجنزار گناه و طغیان غنوده و در مردابه های فجور و عصیان خزیده است! آنکی به طاعت و انقیاد به درگهٔ پروردگار، سر فرود نیاورده و بر بندگان خدا ستم و بیدادگری روا داشته است، وآنکی پیوند صلهٔ رحم را بریده و عاق والدین خویشتن است! و آنکس که به قضاء و قدر الهی خرده گرفته، و آرامش و راحت اش را طعمهٔ کسب حرام و هوا و هوس مادی نموده است!. چنان است که، دیگر طعم آسایش، و لذت آرامش از وی رخت بسته، و آماج دیو وحشت اضطراب و طعمهٔ هیولای نگرانی و سرگشتگی شده است، که هرآن با رنج و عذاب درونی روح و روانش را می کاهد؛ چون وی با ذاتی که آفریدگار این هستی است، و سعادت و آرامش حقیقی در حیطهٔ تصرف او است، با وی بریده و پیوندش را گسسته است!. طبیعتا، آنگاه آدمی دری را که به صوب پروردگار گشوده باشد، ببندد، و ریسمانی که وی را به آفریدگار پیوند دهد، آنرا ببرد، دیگر ز کدام دری و از کدام روزنه ای سعادت و آرامش به سراغش فرا خواهد رسید؟

<u>**در طلاطم روزگار، چه بسا کسانی را خواهی دید، که تاروپود زندگی اش از هم گسسته و طعم لذت حیات برایش ناگوار و تلخابه گشته است؛ آنهائی که به رهنمود الهی پشت پا زده، و از سجده به بارگاهش با نمازگزاران قدم دریغ داشته اند! قرآن این سرچشمهٔ سعادت و آرامش را، به باد فراموشی سپرده و به ارتکاب اعمالی مبادرت ورزیده اند، که انجامش باعث نارضایتی ایزد متعال و فرود آمدن خشم پروردگار عالمین می گردد!. و چه بسا ازین طیف مردمان، دارندگان مال و متاع فراوان، و اندوختگان ثروت هنگفت و مالک ساختمان ها و کاخ ها اند؛ در حالی که یار و انیس روزگارشان همه غم و اندوه و سراسر نا آسایشی و اضطراب همیشگی است.**</u>

این بدان معنا نیست که اغنیاء و ثروتمندان، همه گیرماندگان پرتگاه اضطراب و سراسیمگی اند؛ چه بسا ثروتمند مؤمن و راستکاری که با زیستن درکاخ مجلل و باشکوه، درعبادت و انابت پرودگار به سر می برد. و چه بسا تنگدست ژنده پوشی در دشمنی با خدا و در ستیزه با فرامین پروردگار، قرار دارد!. پس انگار معیار سعادت و خوشبختی، فزونی و کمی ثروت، حشمت و جاه، مقام و جایگاه و یا هم بی پناهی و بینوایی نیست؛ بلکه درین سراپرده، جایگاه با شکوه آرامش نفس و سعادت راستین آدمی را، قلب آراسته با ایمان، ضمیر بی الایش، نفس مطمئن و ارادهٔ توانمند، رقم می زند؛ اما خاستگاه شقاوت و بدبختی، همانا نفس طغیانگر و سرکش، قلب بیباک و ناسپاس، ضمیر تهی و بی مروت و ارادهٔ ضعیف و ناتوان اند!

باری نگاهی به حکایات و داستان های اندوختگان ثروت بیشداز، داستان کسانی که، میلیاردها دالر اندوختند و مالک بانک ها شدند؛ اما چگونه سرانجام، دیو هولناک احساس ذلت و خواری، و غول مهیب وحشت و اضطراب، و شبح سهمگین سرخوردگی و ناگواری ایشان را فرا گرفته، و فرجام ناگواری را نصیب شده اند. برخی به خودکشی و انتحار دست یازیده، و برخی هم دچار بیماری های روانی و هیستیریایی شدند!. سفاهت و هرزگی، و ابتلا به سخافت و هذیان گویی، آفت هایی بوده اند، که نصیب ایشان شده اند؛ چون رشتهٔ که پیوند دهندهٔ انسان به سعادتمندی و زندگی پاکیزه است، ایشان با آن بریده و از آن طفره رفته اند.

هرگز دستیابی به سعادت را در اندوختن دالر و دینار و یورو و ریال مجوی؛ در روزگار زندگی، بسی یهودان ثروتمندی را خواهی دید، که ثروت شان بیشتر از سرمایه و هستی یک کشور است؛ درحالی که این دارایی و پول از راه سود و دغل، بهره گیری ناروا، و به وسیلهٔ ربودن مال و بلعیدن دارونداز زنگی دیگران به دست آمده است. ثروت آنهائی که با خدا در ستیزه بوده و از باور و انقیاد به پیامبرش سرتافته اند. پس چگونه است که طعم سعادت و لذت آرامش به سراغ ایشان، فرا رسد؟.

گمان مبر که سعادت و آسایش، زیستن در برج های عاجی و خزیدن در کاخ ها، و یا دست یازیدن به گنجینه های زر و سیم است؛ چه بسا مردمی زیستند و کسانی هم اندوختند؛ ولی آنگاه که، ز راه هدایت به بیراهه شتافتند و ظلم و بیدادگری پیشه نمودند، ایشان را بهره ای ز سعادت نصیب نگشت و درعوض طعمهٔ شقاوت و بدبختی و بالآخره قربانی مرگ های ناگهانی و نابهنگام شدند. و کسانی هم که نشیمنگاه شان خیمه وکوخ، و فرش شان حصیر و بوریا، و خوراک شان نان جو بوده، ولی فراراه زندگی شان مملو از سعادتمندی و مشحون از خوشی و آرامش همیشگی بوده است. آنهائی که پیوند شان را با پروردگار، از راه سجده و تلاوت و دعاء و قناعت و شکیبایی و سپاسگذاری، برقرار نموده اند. آنهائی که زندگی این محنتکده را در حالی وداع گفته اند که سعادت و رستگاری، یار و انیس شان بوده و ایشان از پروردگارشان خشنود، و پروردگارشان از ایشان!.

بدانکه، کلید آنهمه سعادت و خوشی، و راز همه آسایش و رستگاری، نهفته در ایمان راستین به آفریدگار این هستی است. رسیدن به نعمات آرامش و سکون، و دستیابی به زندگی گوارا و معیشت پربار، مکنون درسرنهادن به طاعت ایزد آفریدگار، و سرنتافتن از رهنمودهای پیامبرگرامی و گزینش معاملهٔ نیک با بندگان خدا است!. این همه خوبی ها و نیکی ها را درین کلمات موجز و گهربار پیامبر گرامی (ص) می توان خلاصه یافت: ترجمه (هرجا که هستی از خدا بترس و به دنبال بدی نیکی کن که نیکی، بدی را می زداید و با مردم با اخلاق نیکو رفتار کن).

فرمان اخیر، بیم ها و ...

این فرمان ضرورت زمان

در همین حال برخی دیگر از نمایندگان مردم که به حمایت از فرمان رئیس جمهور حرف می زدند تاکید داشتند که بدون شک مبارزه با فساد اداری یک ضرورت است، باید تمام ارگان های دولتی برای از بین بردن فساد اداری و حکومت داری خوب تلاش نمایند. این نمایندگان روی کرد انتقادی جریان های سیاسی اپوزیسیونی را از فرمان رئیس جمهور انتقادکردند وگفته اندکه به جای این همه بهانه گیری و سر و صدا ها باید به صورت دسته جمعی در زمینهٔ مبارزه با فساد و اصلاحات تلاش ورزند.

داکتر عبدالقیوم سجادی نمایندهٔ مردم غزنی در مجلس نمایندگان خواستار بررسی دوامدار مسائل افغانستان از جمله فساد اداری و حکومت داری خوب از سوی هر سه قوه گردید. به باور آقای سجادی، مجلس نمایندگان به خاطر موفق شدن برنامهٔ از بین بردن فساد اداری و همکاری با حکومت مجلس نمایندگان باید برای کمیسیون هایی هژده گانه وظیفه بسپارد تا طرح بهتر و منطقی تری را برای حکومت ارائه دهند.

بخش های عمده این فرمان از این قرار است

در خواست از شورای ملی

آقای کرزی از شورای ملی نیز خواسته است که به پیشنهادهای عاجل و تقاضاهای مشروع و معقول حکومت ارجحیت بدهد و طرح ها و مسوده های قانونی را در مدت چهار و نیم ماه به تصویب برساند.

بخش عدلی، قضایی

در این فرمان آقای کرزی از دادگاه عالی (ستره محکمه) خواسته است که «در مدت شش ماه، همه دوسیه های تحت کار به خصوص " پرونده های مربوط به فساد اداری، غصب زمین و قتل های زنجیره یی را فیصله و نهایی نماید"

از لوی سارنوالی نیز خواسته شده است که در شش ماه، همه کارمندان مسلکی و حمایتی خود را بازنگری کرده، کادرهای آلوده به فساد را شناسایی کند و تدابیر مشخصی را روی دست گیرد. در فرمان از سارنوالی خواسته شده که در یک ماه دوسیه همه افرادی را که در توقیف به سر می برند، بررسی کند.

در این فرمان رئیس جمهور به نهادهای عدلی و قضایی هدایت داده است که نباید هیچ فردی بدون موجب قانونی توقیف شود یا تحت نظارت قرار بگیرد و یا بیشتر از موعد محکومیت در زندان باقی بماند.

بخش امنیت

در این فرمان به نهادهای امنیتی نیز دستور داده شده است که برای جمع آوری سلاح غیرقانونی در نزد مردم، با جدیت اقدام کنند.

حکومت داری

طی این فرمان از نهادهای دولتی خواسته شده است «ادارات موازی» را که به شکل موقتی و متنی بر پروژه های داخلی و خارجی کارمی کنند، در یک ماه بررسی نموده و دلایل حذف یا ضرورت آنها را بیان دارند.

وزارت فرهنگ

آقای حامد کرزی به وزارت اطلاعات و فرهنگ دستور داده است که از نشر و پخش زبان های بیگانه در رسانه هایی کشور جلوگیری نموده و برتاکید بر حفظ اصطلاحات ملی منافع ملی را در نظر گیرد. برخی از آگاهان گفته اند این بخش را که آقای خرم وزیر فرهنگ پیشین نوشته است، منظور آن جلوگیری از واژگان زبان فارسی دری به بهانهٔ ایرانی بودن و تقویت همان اصلاحات تک زبانه است که از سال ها بدینسو بر نهادینه شدن آن زیر چتر منافع ملی و ترمینالوژی ملی تاکید شده است.

انگیزه

به باور برخی آگاهان آقای رئیس جمهور فرمان خود را بر اساس خواست جامعهٔ جهانی و وعده هایی که در کنفرانس توکیو به کشورهای خارجی داده بود صادر کرده است. رئیس جمهور از مدت ها بدینسو از وضع حاکم بر کشور شکایت داشت و گاه گاهی هم از نهادهای حکومتی و هم از هم پیمانان خارجی شکوه سر می داد. این فرمان درست در راستای همین دلخوری ها صادر گردیده است که احمال می رود خیلی از متحدین آقای کرزی قربانی آن گردند.

ماهیت فرمان

به باور برخی از آگاهان وقتی کشوری در خلای قانونی به سر نبرد، از نظر ماهوی، هیچ فرمانی جای قوانین در حال اجرا را نمی گیرد. این فرمان در واقع نادیده گرفتن قوانینی است که بعضاً آن را شخص رئیس جمهور توشیح نموده است.

معمولاً فرمان ها زمانی صادر می گردد که فردی تازه به قدرت رسیده باشد و بر نامه های رایکالانهٔ خود را با صدور فرمانی در مدت محدود یا نا محدود در جامعه تحقق بخشد.

این فرمان ضعف ها و نکات مثبت خود را دارد اما پیش از همه باید پرسیده شود که مسؤولان در ده سال گذشته چه کرده اند که حال با صدور فرمان آنان را متوجه وظایف شان کرده است.

ربط فرمان با انتخابات آینده

اکثراً منتقدین آقای کرزی گفته اند که هدف از صدور این فرمان با بهانهٔ مبارزه با فساد اداری جا به جایی افرادی است که بتواند در انتخابات آینده به نفع تیم حاکم کمپاین کنند. بنا برآن با صدور این فرمان نگرانی ها برای حذف مخالفان سیاسی آقای کرزی در برخی از نهادهای دولتی افزوده شده است.

روی هم رفته این فرمان با همه اما ها و اگر های که دارد، دنیا و مردم افغانستان دوازده سال به امید، امنیت، ثبات و حاکمیت سالم منتظر بوده اند. تا چند ماه دیگر، عملی شدن مطالبه ها و مندرجات این فرمان را مورد قضاوت قرار دهند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۱۹) ۱۴ اسد ۱۳۹۱ ۱۶ رمضان المبارک ۱۴۳۳ - 4 August 2012

د پاکستان لخوا، ناټو ځواکونو ته د اکمالاتي لاریو د بندولو غوښتنه

رفیق بحر



په افغانستان کې د ناټو میشتو پوځونو ته د مرستو رارسوونکو لاریو لپاره د پاکستاني حکومت لخوا اجازه ورکول پدغه هیواد کې د هغو ګڼو لاریونونو په ترڅ کې ګواښل شوي چې د پاکستان د دفاع کونسل لخوا (چې د ګڼو اسلامي ګوندونو لخوا جوړ شوی) ترتیب شوي وو؛ د تیرو دریو اونیو راهیسې د یاد شوي کونسل لخوا د لاهور، اسلام آباد، پېښور، کویټې او چمن په ښارونو کې لاریونونه ویستل شوي دي او پکې یې د پاکستان حکومت پدې تورن کړی چې دغه اجازه یې د پاکستان د خلکو او پارلمان له خوښې پرته ورکړېده. همدارنګه ددغه کونسل او پاکستاني حکومت لخوا د پاکستان په قبائیلی سیمو د بې پیلوټه الوتکو لخوا د بمباریو د ودرولو غوښتنه هم شویده.

د پاکستان په موجوده حکومت باندې دغه فشار هغه وخت نور هم زیات شو چې کله ددغه هیواد ستري محکمې ځو ورځې وړاندې له نوي صدر اعظم (راجه پرویز اشرف) څخه هم هماغه غوښتنه تکرار کړه کومه یې چې د پخواني صدراعظم سید یوسف رضاء ګیلاني څخه لرله ؛ چې باید د سویس له حکومت څخه د آصف علي زرداري د بانکي حسابونو د تصفیه کولو د دوسیو څېړل وغواړي ..

ددغو غوښتنو سره سم په خوست کې د امریکایي پوځیانو په هډه باندې څو ورځې وړاندې د یوې حملې په ترڅ کې (چې د حقاني شبکې لخوا د ترسره کیدو ادعاء یې شوې وه) ګڼو امریکایي پوځیانو ته د مرګ ژوبلې له اوریدو وروسته یو ځل بیا د پاکستان او امریکې په اړیکو کې د خړپړ والی رامینځته کیدل څرګندیږي؛ که څه هم امریکې ته د ډګر جنرال ظهیر الاسلام له سفر وروسته د دواړو هیوادونو ترمینځه د اړیکو د جوړیدا ګنګوسې ډیرې شوې وې او ښایي چې د پاکستان لپاره د امریکا لخوا د «ریچرد وولسن» په نوی سفیر ټاکنې سره دغه اړیکې نورې هم، ښې یا خرابې شي؛ څکه چې نوموړي د امریکا د مشرانو جرګې د بهرنیو اړیکو کمیټې ته په خپله وینا کې ویلي چې د ترهګرۍ (!) په ټکولو او د

۵ مخ

گران فروشی در ماه مبارک رمضان...

امروز در جامعهٔ ما انسان هایی وجود دارند که در اندیشهٔ افزایش دارایی های خویش اند، آزمندی و حسرت در دل و جان این افراد ریشه دوانیده است و آنها از هر فرصت و امکانات گلوی مردم را می فشارند، تا کیسه های آنها پر گردد. امروز اشخاصی در جامعه وجود دارند که استغناء و بلند نظری به آنها اجازه نمی دهد که اظهار نیازمندی کنند. جای دارد که در این ماه مبارک رمضان به سراغ آنها شتافت. ممکن است اشخاص تنگدست در جنب و کنار ما وجود داشته باشد؛ ولی در درون خویش احساس آرامش و بی نیازی کنند. در این ماه مبارک جای دارد که ثروتمندان به داد مستمندان برسند و از آ نچه از دارایی به دست آورده اند، حقوق نیازمندان را در نظر بگیرند، از جانب دیگر دولت می تواند بعد از تشخیص نیازمندان به رفع نیازمندی های آنها بپردازد. این عوامل موجب گردیده است که قیمت ها به میزان قابل ملاحظه بالا رفته و قدرت خرید را در میان افراد جامعه، به ویژه افراد کم درامد از بین برده است.

دولت اگر قادر نیست در سائر ماه ها به کارمندان خویش ضرورت های اولیه شان را فراهم سازد، حداقل باید در ماه مبارک رمضان، این کارمندان تهیدست را از دغدغهٔ اقتصادی در امان نگهدارد. مشکل دیگر کمبود حس مسؤولیت دینی و اسلامی در میان تجار ملی و اغنیا وجود دارد، اگر تجار ملی و اشخاص ثروتمند، مقدار حقی را که مستمندان در دارایی آنها دارد، به آنها بپردازد، تعدادی از فقراء و محرومان از درد فقر و رنج گرسنگی در امان می ماند. در ماه مبارک رمضان باید سفرهٔ فقراء و مستمندان در ایام افطار پر رنگ باشد، زیرا زمان و سفرهٔ افطار از شور و حال معنوی خاص برخورد دار است و وقتی سفرهٔ فقراء مملو از غذا باشد، خود موجبات رحمت و برکات الهی را به وجود می آورد. اگر فقراء و مستمندان جامعه به کمک ثروتمندان و اشخاص نیکو سرشت، بتوانند در سفرهٔ افطار، همان نعمت هایی را که ثروتمندان مصرف می نمایند، حداقل چند فیصد آن را به دست آورند، فضای جامعهٔ ما را معنویت و صفای باطن فرا می گیرد، کیفیت و فلسفهٔ روزه نیز همین است که در این ماه مبارک ثروتمندان به داد این مستمندان برسند.

گرانی قیمت ها در این ماه مبارک هیچ توجیه قانونی و شرعی ندارد و هیچ بندر مهم تجارتی امروز به روی تجار ملی و کشور مسدود نمی باشد، بلند رفتن قیمت فقط ناشی از حرص و آز انسان های طماع می باشد که آنها می خواهند از هر فرصت در جهت بلند بردن قیمت ها استفاده کنند. مشکل دیگر نبود قانون منع احتکار و ذخایر مواد غذایی از سوی افراد محتکر است که آنها بعد از تشخیص زمان قیمت ها را بلند می برند و از اعمال آنها کنترول به عمل نمی آید. امروز شهر کابل به مرکز از فقراء و تهیدستان تبدیل گردیده است، موجودیت دست فروشان در سرک ها و جاده ها و کار شاقهٔ اطفال از صبح تا شام، وجدان هر بیننده را متألم می سازد. مردم کابل از نبود آب صحی و محیط زیست سالم رنج می برند. در شهرهای افغانستان آرزوهای مردم در حال مردن است، در قریه ها خشونت، نبود قانون و خودسری و در شهرها نبود اشتغال و امنیت از مصائب روزانهٔ مردم است، خانه های فقیرنشین در شهرهای بزرگ؛ به ویژه کابل و شهرهای بدون نظم و قانون و قریه های مملو از تفنگ و مواد مخدر و نبود قانون و امنیت از تراژیدی سراسری این کشور است. امروز نوباوگان و اطفال ما در سرما و گرما به خاطر به دست آوردن لقمهٔ نان در رنج قرار دارند، این ها همه نشانهٔ بی تفاوتی این حاکمیت در کشور است.

ماه مبارک رمضان برای حکومت و مسؤولان امور وظیفه می دهد تا به خاطر تأمین عدالت الهی، از اشخاص مغرض پرسش به عمل آورد و در حد امکان بکوشد قیمت های مواد اولیه را ثابت نگهدارد و از جانب دیگر به دستگیری از مستمندان بپردازد.

دشواری هایی امنیتی و التزام پاسخگویی...

و تسخیر دریای کنر می باشد. او گفت: نظامیان پاکستان شهروندان سرحدی را به زور وا می دارند، تا تذکرهٔ تابعیت پاکستان را بگیرند. در همین حال آقای زلمی رسول وزیر خارجه گفته است که تمام تلاش های دیپلوماتیک مبنی بر قطع راکت پرانی پاکستان بالای خاک کشور بی نتیجه مانده است.

طبق یک خبر دیگر قرار است امروز شنبه روی همین منظور وزرای دفاع و داخله را مجلس نمایندگان استیضاح نمایند. این که سرنوشت این دو مقام ارشد امنیتی چه خواهد شد و آیا می توانند در مجلس استیضاحیه قناعت نمایندگان را فراهم نمایند موضوعی است که همین امروز مشخص می گردد.

طبق یک خبر دیگر مقامات امنیتی گفته اند آنان صبح روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته، موفق به جلوگیری از یک حملهٔ گروهی به شهر کابل شده اند به گفتهٔ سخنگوی امنیت ملی، پنج تن را به ظن حمله به یک هوتل مجلل در مربوطات شهرنو از پا در آوردند.

منبع افزده است پیش از این که متهمان به هدف نزدیک شوند، آنان را در خانهٔ در ساحهٔ پلچرخی محاصر نموده و بعداً در نبرد که رخ داده است تمام افراد انتحاری کشته و منزلی که آنان مخفی شده بودند کاملاً تخریب شده است.

در این اواخر اوضاع امنیتی با گذشت هر روز وخیم تر شده است. مخالفان مسلحهٔ دولت با استفاده از تاکتیک های تازه و شگردهای که مسیر جنگ را نا متعارف ساخته است، هر روز قربانی می گیرند. آمار تلفات نیروهای خارجی نیزدر کشور افزایش یافته است. طبق گزارش ها تنها طی هفتهٔ که گذشت، در چندین حادثهٔ جداگانه شش سرباز خارجی کشته شدند.

افزایش حملات طالبان و راکت پراگنی های پاکستان، دشواری هایی اند که مقامات حکومتی را ملزم به تمکین و پاسخگوی نموده است.

ورزشکاران افغانستان از ناهمواری ها تا امیدواری ها

اندیشه



شهر لندن پایتخت بریتانیا این روزها میزبان هزاران ورزشکار از کشورهای مختلف دنیا است. افغانستان نیز با شش ورزشکار در مسابقات المپیک لندن حضور دارد. این سومین باریست که ورزشکاران کشور پس از فروپاشی رژیم طالبان اجازه حضور در بازی های المپیک می‌یابند. بیش از سه دهه است اسم افغانستان همواره با جنگ، خشونت، طالبان و مواد مخدر گره خورده و مردم دنیا تام این کشور را بیشتر در پیوند با همین پدیده ها می‌شناسند و می‌شنوند.

اما در سال‌های اخیر فعالیت های مثبتی در افغانستان در جریان بوده که در مواردی زیادی از دیده ها پنهان مانده اند. ورزش از جمله همین فعالیت ها است. در حال حاضر افغانستان صاحب خیلی از ورزش ها است. از گلف گرفته تا واترپولو، فوتبال بانوان، باسکتبال، زیبایی اندام و بزکشی.

ورزشکاران کشور درسال‌های اخیر دستاوردهای قابل ملاحظهٔ در کریکت، فوتبال و تکواندو در سطح منطقه و جهان کسب کرده است. ورزشکاران کشور هنوز با چالش‌های زیادی از قبیل نبود مکان‌های مناسب ورزشی، نبود آموزگاران مسلکی و اوضاع بد امنیتی روبرو هستند. اما آنها از زمین ناهموار آغاز کرده و از میان شان کسانی مثل نثار احمد بهاوی و روح الله نیکپا، اولین مدال آوران المپیک این کشور، تا سکوی پیروزی رسیده اند.

در جامعهٔ سنتی افغانستان هنوز حساسیت های زیادی علیه حضور زنان در ورزش وجود دارد، اما این دختران با وجود همه چالش ها به زمین بازی می‌روند و اینک در میان شش ورزش کار کشور تهمینهٔ کوهستانی حضور دارد و قرار است در رشتهٔ دوش به مسابقه بپردازد. وقتی صحبت از ورزش می شود، اسم روح الله نیکپا بیشتر از همه بر سر زبان ها است. روح الله نخستین مدال آور المپیک در تاریخ کشور است.

روح الله در مسابقات المپیک ۲۰۰۸ پکن پایتخت چین در رشتهٔ تکواندو مدال برنز کسب کرد و در مسابقات که در این روز ها جریان دارد یکی از امیدهای مردم افغانستان در لندن می باشد. تا حالا دو ورزش کار کشور به مصاف رقیب رفته اند که در هر دو مورد متأسفانه بازی به نفع رقیب بوده است. اما امیدواری ها زیاد است که این بار نیز چهار نفر دیگر با دستآوردهای به کشور برگردند.